



#### گزارش زهراچندری

سهه سال است هنوز خاطرات آن روز را در ذهنش مرور می‌کند؛ روزی که مأمورها به خانه ریختند و شوهرش را از پای بساط بلند کردند و بردند. با مقدار موادی که از خانه پیدا کردند، قاضی حکم کرد شوهرش باید چند سالی آب خنک بخورد! آب خنک خوردن شوهرش اما باعث شده بود در تمام این سهه سال یک آب خوش از گلو ی او و فرزندانش پایین نرود. از نگاه سنگین همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها که بگذریم، جور کردن دخل و خرج و مخارج خورد و خوراک و لباس و درس و مدرسه سه بیچه قدونیم‌قد شوخی نبود؛ بیچه‌هایی که نمی‌توانست همه جا دنبال‌شان برود و وقتی مردم در باره زندانی بودن پدرشان صحبت می‌کنند، گوش‌شان را نگه دارد تا نشنوند چه می‌گویند و قدااست پدر در نگاه‌شان بگذارد. پدری که هر چند معناد، زندانی و خلافکار بود اما باز هم پدر بود. در کنار اینها معتادانی که گاه و بی‌گاه در خانه‌شان سبز می‌شدند تا ببینند می‌توانند تنه‌هایی تهیه کنند یا نه هم برایش دردرس بودند و هم نگرانی می‌کردند مبادا بیچه‌ها هم در مسیر پدر با بگذارند. با تمام این مصیبت‌ها اما نه لایلا و نه سهه فرزندش هیچ کدام مجرم و گناهکار نبودند اما با مجازات شوهرش انسگار آنها هم مجازات می‌شدند.

زندان و زندانی شدن مجرم‌ها خیلی وقت‌ها پايان را نیست، بلکه آغازی برای بسیاری از چالش‌هاست. به همین خاطر است که نگاه پیشگیرانه در همه زمینه‌ها و به خصوص در حوزه جرائم می‌تواند به مراتب کارایی بیشتری داشته باشد تا یک سیستم مجازات قوی با تمام اینها اما تا بوده همین بوده و برخی از افراد در مسیر خلاف و اشتباه می‌افتند و هم خودشان آسیب می‌بینند و هم به دیگران آسیب می‌رسانند. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که در این وادی دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شوند هم خانواده زندانیان هستند، خانواده‌هایی که خیلی وقت‌ها تنها گناهشان این است که همسر یا فرزند یک فرد مجرم و خلافکار هستند، البته بخشی از زندانیان و مجرم‌ها هم بابت جرائم غیر عمد یا جرائم مالی راهی زندان می‌شوند و لزوماً خلافکار یا کلاهبردار نیستند، اما با زندانی شدن آنها باز هم خانواده‌های‌شان آسیب می‌بینند و به زحمت می‌افتند. خلاصه‌اش اینکه از هر زاویه‌ای که به خانواده زندانیان نگاه کنید، درمی‌یابید این گروه یکی از مهم‌ترین اقشار و گروه‌های در معرض آسیبند و اگر حاکمیت و نهادهای حمایتی و گروه‌های مردمی هوای‌شان را نداشته باشند، همسر و فرزندان این افراد می‌توانند در چرخه آسیب‌های اجتماعی محو شوند و ناگزیر همان مسیری را طی کنند که پدر خانواده یا عضو به‌هکار خانواده پیچیده است.

■ **نسبت سنی و جنسی زندانیان**

پنجم خردادماه مصافح با روز نسیم مهر (روز ملی حمایت از خانواده زندانیان) درحالی گرامی شاسته می‌شود که این خانواده‌ها در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی قرار دارند.

بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های زندانیان را که هیچ نقشی در ارتکاب جرم ازسوی فرد به‌هکار نداشته‌اند، باید در زمره اولین قربانیان جرم و جنایت در جامعه به حساب آورد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته اکثر خانواده‌های زندانیان، نیازمند حمایت مبرم هستند. گرچه نهادهای حمایتی در حد بضاعت خود به این خانواده‌ها خدمات ارائه می‌کنند اما فقدان نظام جامع حمایتی و کمبود اعتبارات، شرایط دشواری را برای زندگی روزمره آنان به وجود آورده است، به نحوی که حتی در غالب موارد برای تأمین حداقل نیازها دچار بحران‌های جدی می‌شوند، در حالی که باید دغدغه این خانواده‌ها صرفاً حبس سرپرست خانواده باشد.

در صورت عدم‌حمایت از این خانواده‌ها شاهد رشد چشمگیر طلاق همسران زندانیان، ترک تحصیل فرزندان، ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی، گرایش اعضای خانواده به مشاغل کاذب و تکی‌گری خواهیم بود و باید این زنگ خطر را به صدا درآورد که در آینه باید شاهد ورود تعداد قابل توجهی از اعضای خانواده زندانیان به چرخه جرم باشیم.

از سوی دیگر برچسب زندان و زندانی نوعی تگرش منفی را برای همسران و فرزندان زندانیان در برخی مناطق به وجود آورده و ترديدهایی برای کمک به آنان ایجاد کرده است، در حالی که بر اساس آموزه‌های مؤکداسلامی و با جستوجو به سیره عملی‌اممه اطهار(ع) و اولیای عظام به خوبی می‌توان دریافت که خانواده‌های زندانیان از مصادیق بارز فقر هستند که ضرورت حمایت از آنها بیش از سایر نیازمندان احساس می‌شود.

نسبت جنسی زندانیان زن و مرد نشان می‌دهد ۹۶درصد آنان را مردان تشکیل می‌دهند و نسبت سنی آنان نشان می‌دهد حدود ۷۳درصد در مقطع سنی ۱۹ تا ۳۹ سال هستند که سن کار و اشتغال محسوب می‌شود، هر چند ۲۶درصد دیگر بالای ۳۹ سال اغلب شاغلند و مسئولیت خانواده را بر عهده دارند. وجود ۷۳درصد زندانی در مقطع سنی از ۱۹ سال تا ۳۹ سال از منظر دیگر هم برای تحلیل آسیب‌های خانواده مهم است، زیرا این سنین دوران باروری، فرزندآوری و اشباع عاطفی خانواده است و از این نظر آسیب‌های واردشده اثر گذار و ویرانگر تر است.

■ **سرپرست خانوار شدن زن با زندانی شدن مرد**

بخشی از زنان سرپرست خانوار آسیب‌دیده کشورمان اغلب زناني هستند که به نوعی با آسیب‌های اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ زناني که هر کدام‌شان برای سرپرست خانوار شدن مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده‌اند و قسمتی در دناک و ترازیک دایرند. یکی همسرش را از دست داده و دیگری از شوهر معتادش جدا شده است. گروهی از این زنان هم همان‌هایی هستند که شوهران‌شان به دلایل جرائم غیر عمد یا حتی عمد به زندان افتاده‌اند و به یک‌باره باید بار سنگین مسئولیت اداره اقتصاد چالش‌های‌شان فقط به مشکلات اقتصادی و اجتماعی بر عهده گرفتن مسئولیت‌های خانواده محدود نمی‌شود بلکه آنها باید پتک قضاوت‌های اجتماعی را که هر لحظه بر سرشان کوبیده می‌شود، تحمل کنند؛ زن‌هایی که بیشتر از هر گروه دیگری از زنان سرپرست خانوار باید حواس‌شان به فرزندان‌شان باشد

## ۶۶

**به دلیل چالش‌هایی که ممکن است در زندان برای فرد زندانی به وجود بیاید، اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیرند ماهانه به فرد زندانی هزینه‌هایی را پرداخت کنند که این می‌تواند بار سنگینی را بر دوش خانواده تحمیل کند چرا که اغلب خانواده‌های زندانیان از طبقه ضعیف جامعه هستند. از آنجا که خانواده باید اصلی جامعه است هم به طور مستقیم از زندانی شدن عضو خود تأثیر می‌پذیرد و هم بخشی از این تأثیر پذیری را خواه ناخواه به جامعه منتقل می‌کند**

چرا که ممکن است در چرخه آسیب‌های اجتماعی ذوب شوند. خیلی وقت‌ها ممکن است خانواده زندانیان هم در همان مسیر بیفتند که مردان آنها در آن مسیر حرکت می‌کردند؛ مسیری که انتهایش زندان یا حتی اتفاقاتی بدتر از اینهاست، به همین خاطر هم خانواده زندانیان مهم و نیازمند حمایت هستند، خانواده‌هایی که بیشتر از سایر افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و رها شدن‌شان می‌تواند موجب شود بسیاری از آسیب‌های بالقوه به فعلیت دربیایند و فرزندان اعضای خانواده آنها در گرداب آسیب و جرائم اقتصادی و اجتماعی غوطه‌ور شوند.

■ **مجازات‌ی برای خانواده!**

زندان به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری پذیرفته شده است. با وجود این بی‌شک اصلاح و تربیت مجرمان بدون توجه به ابعاد مختلف میسر نیست و بازگشت مجرم به اجتماع بدون توجه به خانواده مجرم و نقش آن جای سؤال دارد. پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی که در سال ۱۳۷۹ از سوی دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی انجام شده است، نشان می‌دهد اگر چه بین هیچ یک از متغیرهای سلباقه قضایی، نوع جرم و وضعیت مالی زندانی با گرایش به طلاق و فساد اخلاقی همسر زندانی رابطه معناداری وجود ندارد اما بین سابقه قضایی زندانی و گرایش به جرم در خانواده زندانی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همچنین بین جرم زندانی و میزان افسردگی همسر زندانی و بین سابقه قضایی و میزان انحراف اجتماعی همسر زندانی رابطه معنادار وجود دارد.

■ **ضعف کنترل‌های اجتماعی**

نظریه کنترل اجتماعی در جامعه‌شناسی انحرافات مبحثی جدید در مطالعات اجتماعی است که به بررسی تأثیر زندان بر روابط خانواده و گرایش فرزندان به به‌هکاری توجه دارد. رویکرد کنترل اجتماعی، وقوع رفتارهای کجروانه را برحسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند. براساس این رویکرد، هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد و وقوع کجروی‌ها جلوگیری می‌شود، اما وقتی کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف یا از هم پاشیده باشد، رفتار کجروانه ظاهر می‌شود.

برخی صاحب‌نظران بحث جامعه‌پذیری را با کنترل اجتماعی یکی می‌دانند و برخی هر مله‌ای از کنترل اجتماعی و بعضی هم فرایندهای مستقل را مکمل می‌دانند. یکی از پیامدهای زندان بر خانواده‌ها اخلاص در فرایند جامعه‌پذیری فرزندان است. در واقع پدیده زندان یکی از شاخص‌های ضعف کنترل اجتماعی است و هر چه جمعیت زندانیان بیشتر باشد، کنترل اجتماعی ضعیف‌تر است. همچنین یکی از پیامدهای مهم محکومیت زندان، سست شدن کنترل اجتماعی بر فرزندان و همسران و به

### خانواده زندانیان زیر چتر حمایت کمیته امداد

واجد شرایط، خانواده‌هایی که سرپرست آنان در زندان به سر می‌برند و طبق دستورالعمل پذیرش و خدمات مددکاری امداد شرایط حمایت را دارند با معرفی از سوی انجمن مددکاری زندان‌ها تحت پوشش قرار می‌گیرند. معیارهای اصلی تحت حمایت قرار گرفتن خانواده‌های زندانیان این است که سرپرست آنها در زندان به سر ببرد و خانواده آنها در وضعیت اقتصادی مناسبی قرار نداشته باشند. این خانواده‌ها طبق شرایط دستورالعمل پذیرش و مددکاری و تأیید نیازمندی آنان از سوی مددکار مربوط، تحت حمایت امداد قرار می‌گیرند. در صورتی که خانواده زندانی شرایط حمایتی امداد را داشته باشند برخی به صورت خدمات تک و چندخدمتی از خدمات امداد مانند وام، لوازم ضروری زندگی، وام‌های اشتغال و توانمندسازی و غیره را دریافت می‌کنند و در صورتی که از بعد اقتصادی نیز نیاز به حمایت داشته باشند، مستمری کمک معیشت نیز برای آنها برقرار می‌شود، خانواده‌ها در صورت تمایل و دارا بودن شرایط اشتغال همانند سایر مددجویان به حوزه اشتغال جهت آموزش کارایی و مشاغل خانگی معرفی می‌شوند و می‌توانند از این خدمات به جهت توانمندسازی و اشتغال خانواده استفاده کنند.

طور کلی خانواده زندانی است. اعتبار و انسجام نهاد خانواده، نظام روابط و مناسبات خانواده با فرسایش و آسیب مواجه می‌شود و پیامدهای منفی و آسیب‌زای ویژه خود را در پی دارد.

■ **چالش‌های خانواده‌های زندانیان**

طبق الگوی پارسوسنزی که چهار خرده‌نظام اصلی را برای نظام اجتماعی زندان بازمی‌شناسد، زندان مجموعه‌ای از پیامدهای فردی و شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به همراه دارد. همه این پیامدها به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم بر خانواده زندانی تأثیر می‌گذارند. تحمیل فقر و کاهش درآمد خانواده، مشکلات شغلی برای زندانی پس از آزادی و نیز برای اعضای خانواده از جمله این چالش‌ها هستند. همچنین در دوران حبس، خانواده زندانی نه فقط نان آور خود را از دست می‌دهند بلکه به دلیل چالش‌هایی که ممکن است در زندان برای فرد زندانی به وجود بیاید، اغلب خانواده‌های زندانیان ناگزیرند ماهانه به فرد زندانی هزینه‌هایی را پرداخت کنند که این می‌تواند بار سنگینی را بر دوش خانواده تحمیل کند چرا که اغلب خانواده‌های زندانیان از طبقه ضعیف جامعه هستند. از آنجا که خانواده باید اصلی جامعه است هم به طور مستقیم از زندانی شدن عضو خود تأثیر می‌پذیرد و هم بخشی از این تأثیر پذیری را خواه‌ناخواه به جامعه منتقل می‌کند. بر این اساس در جامعه‌شناسی به خانواده زندانیان و به ویژه زندانیان مواد مخدر به عنوان قربانی می‌شود. متحقان نشان داده‌اند زندان پیامدهای مختلفی بر خانواده و جامعه دارد و ممکن است موجب ازهم گسیختگی خانوادگی شود. براساس مطالعات تجربی احتمال آسیب‌پذیری خانواده زندانیان و استمداد جرم‌خیزی در خانواده‌های کسانی که به دلیل بزه‌کاری‌های اجتماعی زندانی شده‌اند، زیاد است و میان ارتکاب جرم و وضعیت اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد، اما اگر بخواهیم مهم‌ترین مشکلات آنها را دسته‌بندی کنیم با موارد ذیل مواجه خواهیم بود.

■ **مشکلات اقتصادی:** از قبیل قطع شدن یا تقلیل منابع درآمدی خانوار، فقدان یا محدودیت فرصت‌های شغلی برای همسر و فرزندان، ازبین رفتن پس‌اندازهای پس خانواده، بازتاب مشکلات اقتصادی در معیشت، تغذیه و سایر نیازهای اولیه و ثانویه مربوط به رفاه و بهداشت آگاهی‌بخشی و در نهایت تقلیل سطح رفاه و سلامت خانواد.

■ **برچسب‌زنی و طرد اجتماعی:** علاوه بر اینها خانواده زندانیان اغلب با احساس طرد شدن و برچسب‌زنی از سوی جامعه مواجهند که این مسئله اغلب در غیاب نهادهای حمایتی رخ می‌دهند. به میزانی که همبستگی و حمایت اجتماعی کاهش یابد احتمال ضداجتماعی شدن افراد افزایش می‌یابد. هر قدر نهادهای مدنی با کار کرد‌های حمایتی وجود داشته باشد و از خانواده زندانیان حمایت کند، احتمال شکل‌گیری پدیده ضداجتماعی شدن کمتر است.

■ **افزایش احتمال طلاق:** آمارها نشان می‌دهد میان مدت محکومیت و نوع جرم با احتمال طلاق رابطه زیادی وجود دارد. در تحقیقی که در هفت زندان بزرگ ایران با جامعه آماری ۲۴ هزار نفر دو بخش زنان و مردان انجام گرفته است، روابط رگرسیونی نشان می‌دهد مردان زندانی سابقه‌دار به احتمال بیشتر با تقاضای طلاق از سوی همسران‌شان مواجه خواهند شد، البته با افزایش فرزندان و حمایت‌های مددکاری امکان طلاق کاهش می‌یابد. به طور کلی ۲۰درصد از همسران مردان متأهل زندانی حداقل بار یک طلاق گرفته‌اند.

■ **خلأ عاطفی:** عدم‌حضور سرپرست خانواده تنها از جنبه اقتصادی اهمیت ندارد، بلکه خلأ عاطفی ایجادشده گاهی از پیامدهای اقتصادی مهم‌تر به حساب می‌آید. دلیل این موضوع در مواردی است که خانواده از تمکن با حمایت‌های دیگران برخوردار نبوده و در نتیجه اختلالات عاطفی که از جمله مسائل غیرمادی ویژه به‌شمار می‌روند به وجود آمده‌اند.

■ **راهکارها**

برای کاهش آسیب‌های زندان هم برای خانواده‌های زندانیان و هم برای خود افراد زندانی راهکارهایی در سطح خرد و کلان وجود دارد. حمایت از خانواده زندانیان و توانمندسازی آنها، با بلندمدت‌تر شدن اشتغال و کسب درآمد برای زندانی‌ها، است که به خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه قضائیه قرار گرفته است و علاوه بر بازدارندگی و نقش تنبیهی، می‌تواند از تبعات زندانی شدن برای خانواده زندانیان بکاهد و چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن را کم کند.

#### یادداشت

### «پدر» ستون استوار تربیت

■ **زهرا کریمی**

تربیت فرزند، مسئولیتی مهم و پیچیده است که اغلب به مادر نسبت داده می‌شود، به طوری که گاهی تمام هویت و وظیفه زن صرفاً در تربیت فرزند خلاصه می‌گردد. اگرچه نقش مادر در فرایند تربیت غیرقابل انکار است، اما نقش پدر نیز به همان اندازه حیاتی و اثر گذار است و نباید نادیده گرفته شود. این موضوع به معنای کمرنگ جلوه دادن نقش مادر نیست، بلکه بیانگر برابری و اشتراک مسئولیت در تربیت فرزند است.

در گذر زمان و به واسطه غفلت از اصول تربیت دینی، این نقش والا به حاشیه رانده شده و بار تربیت، به غلط تماماً بر دوش مادران نهاده شده است.

این ضعف فرهنگی حتی در میان افرادی که دایه‌دار مذهب هستند نیز مشاهده می‌شود. در جامعه ما، گاه با توجهیات به ظاهر دینی، وظیفه تربیت فرزند صرفاً بر عهده مادر گذاشته می‌شود. این تفکر که نتیجه فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی است، به چنین باوری تبدیل شده که مسئولیت تربیت فرزندان فقط بر عهده زن است و این امر موجب تحمیل بار سنگینی بر آنها شده است.

در آثار تربیتی نیز کمتر به این موضوع پرداخته شده و در بسیاری از آنها، تنها نقش مادر یا والدین به‌طور کلی مطرح می‌شود، به‌خصوص نقش پدر در تربیت به صورت کمرنگی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، آن هم غالباً بدون استناد به متون دینی.

امروزه، نقش تربیتی پدر به قدری رنگ باخته است که تنها وظیفه‌اش در قالب نقش اقتصادی خلاصه و تعریف می‌شود. مردان بسیاری وظایف تربیتی خود را در قبال فرزندان به طور آگاهانه یا ناآگاهانه به دوش مادران یا مراکز آموزشی انداخته‌اند و این خلأ دقیقاً نقطه آغاز آسیب‌های جبران‌ناپذیری است که جامعه امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

در صورت بروز مشکلات تربیتی نیز همیشه انگشت اتهام به سمت مادر نشانه می‌رود، به رغم اینکه مادر بار سنگینی از مسئولیت‌های تربیتی و غیر تربیتی را بر دوش می‌کشد، در این عدم‌واقعیت ناگامی به تنهایی مقصر و مسئول نیست.

از دیدگاه اسلام، پدر ستون استوار خانواده و سکandar کشتی تربیت است. او نه تنها تأمین‌کننده معاش، بلکه راهنمای معنوی و الگوی رفتاری فرزندان نیز است. اسلام جایگاه پدران را در فرایند تربیت بسیار پررنگ و حائز اهمیت می‌داند و برای آنها وظایف و مسئولیت‌های ویژه‌ای در این زمینه قائل است. این وظایف نه تنها به رشد جسمی و روحی کودک کمک می‌کنند، بلکه در شکل‌گیری شخصیت و تضمین آینده او نیز تأثیری عمیق دارند؛ وظایفی که برخی از آنها، فراتر از توان مادر است و تنها پدر قادر به ایفای چنین نقش‌هایی است. و کلام وحی و احادیث معصومین(ع) این نقش اساسی به روشنی تبیین و تشریح شده‌است.

در قرآن کریم بارها به وظایف تربیتی مرد نسبت به فرزندان در خانواده اشاره شده است. تلاش برای تأمین سلامت فرزندان و مراقبت از آنها، سوق دادن فرزند به ایمان و بیشش توحید، آموزش مسائل اعتقادی و عبادی و همچنین آموزش اخلاق و آداب معاشرت، از جمله وظایف مهم پدر شمرده شده‌اند. در آیات قرآن، سفارش شده که پدران فرزندان خود را به دین خداوند دعوت کنند و آنها را از شرک و ظلم دور دارند. همچنین به آنها بیاموزند که با دیگران با تواضع و مهربانی رفتار کنند و از تکبر و غرور بپرهیزند، بنابراین قرآن کریم پدران را به تربیت جامع فرزندان، شامل سلامت جسمی، هدایت دینی، آموزش عبادی و پرورش اخلاق نیکو فرامی‌خواند و آنها را مسئول سعادت، تربیت و رشد خانواده می‌داند.

در روایات نیز اهمیت تربیت کودک از سوی پدر با تأکیدات فراوانی بیان شده است. مثلاً اینکه حق فرزند بر پدر این است که آنچه به سود دنیا و آخرت کودک است، به او بیاموزد یا بهترین هدیه به فرزند، آموزش نیکو و تربیت صحیح دانسته‌شده است. همچنین تأکید شده است پدر نام‌نیکو برای فرزندش انتخاب کند، ادب و تربیش را به خوبی انجام دهد و قرآن را به او بیاموزد. در حدیثی دیگر آمده که تربیت فرزند بهتر از اتفاق روزانه است و کسی که فرزندش را بر تقوای الهی تربیت کند، به او نیکی کرده و راهش را استوار ساخته است.

در روایات متعدد آمده‌است هیچ میراثی از ادب و تربیت بهتر برای فرزند نیست و نیز نقل شده که منزلت مؤمن نزد خداوند به تربیت فرزند صالح بستگی دارد. همچنین رسول خدا(ص) دربارهٔ فرزندان اخراج‌زمان گفته‌اند که وای بر فرزندان از پدران‌شان که حتی واجبات دینی را به آنها نمی‌آموزند.

این آیات و روایات به وضوح اهمیت نقش پدر در تربیت فرزندان را تقویت می‌کنند و نشان می‌دهند اسلام به طور خاص به وظایف و مسئولیت‌های پدر در این زمینه توجه دارد. رعایت این اصول می‌تواند به احیای مسئولیت‌های پدران و ارتقای نقش آنان در تربیت فرزندان کمک کند و از فشار بار تعلیم و تربیت بر دوش مادران بکاهد.

نادیده گرفتن نقش اساسی پدر و واگذاری انحصاری وظیفه تربیت به مادر، اثر منفی و جبران‌ناپذیری بر شخصیت و آینده کودکان بر جای می‌گذارد که علاوه بر ایجاد چالش‌های خانوادگی و اجتماعی، کودک را از رازبای‌ای حضور فعال و همراهی پدر در زندگی محروم می‌کند، بنابراین اهمیت نقش پدر در تربیت همتراز با نقش مادر است و مشارکت فعال هر دو در این مسیر ضروری به نظر می‌رسد. هر چند نقش مادر حیاتی و بنیادی است، اما تربیت فرزند مسئولیتی مشترک و برابر میان پدر و مادر است که نیازمند آگاهی‌بخشی و حمایت است تا پدران نیز بتوانند در کنار مادران، در این فرایند ار شمند سهیم باشند.

پاسخ به این پرسش که چرا پدران امروزه از این وظیفه خطیر شانه خالی می‌کنند، نیازمند بررسی‌های دقیق و جامعه‌شناسانه است. از مهم‌ترین دلایل فرار پدران از مسئولیت‌های تربیتی می‌توان به رشد طلاق، عدم‌آگاهی و فقدان آموزش‌های لازم در فرایند تربیت‌پذیری اشاره کرد، همچنین به زنان و مادران جامعه نیز آموزش‌های کافی ارائه‌نشده‌است تا بار سنگین این مسئولیت، همراه با فشارهای روحی مضاعف و تلاش‌های گاه بی‌نتیجه، از دوش آنان برداشته شود.

حقوقی که اسلام برای زنان مطرح کرده است، متأسفانه به گونه‌ای که شایسته باشد، در جوامع اسلامی محقق نشده است. باروها و توقعات خارج از توان زنان، بعضاً به نام اسلام بر آنها تحمیل می‌شود که این امر موجب فرسایش روحی و جسمی، خودکشی، حس نااوانی و خستگی آنان در جامعه می‌شود. زنان مسلمان باید به کسب آگاهی و شناخت جایگاه واقعی خود، همان‌طور که خداوند برای آنها ترسیم کرده، به مطالبه‌گری از حقوق واقعی‌شان بپردازند تا با جسم و روحی سالم‌تر، جامعه‌ای سالم‌تر را بنا نهند.

بی‌گمان، جامعه‌ای که در آن پدران از نقش تربیتی خود غافل هستند، نمی‌تواند پویا و رو به پیشرفت باشد. برای رسیدن به خانواده‌ای سالم و متوازن، باید ابتدا به اهمیت و ضرورت نقش پدر در تربیت آگاه شد، سپس بستر مناسبی را برای مشارکت فعال او فراهم ساخت و در نهایت انتظارات و نیازهای خانواده را نسبت به هر دو والد به‌درستی تعریف کرد، بنابراین به جای تأکید بر یک‌طرفه بودن مسئولیت، باید به اشتراک و تعادل در وظایف والدین توجه شود.

پدران می‌توانند در زمینه‌های مختلفی، از جمله ایجاد محیط امن و محبت‌آمیز، هدایت و راهنمایی، تشویق و انگیزاسازی در خانه نقش کلیدی ایفا کنند، همچنین مشارکت فعال پدر در زندگی کودک می‌تواند به اعتمادبه‌نفس، استقلال و رشد همه‌جانبه او کمک کند.

در نهایت برای تربیت فرزندان‌ی سالم و موفق، همکاری مؤثر و ایفای نقش برابر پدر و مادر امری ضروری است. با درک صحیح وظایف هر یک از اعضای خانواده، بازگشت به آموزه‌های دینی، ارتقای آگاهی والدین و احیای نقش آنان می‌توان نسلی صالح و بالنده تربیت کرد. تلاش مشترک و تعهد هر دو والد به مسئولیت‌های تربیتی، زمینه‌ساز جامعه‌ای شاداب و پایدار است که فرزندان در آن با توانمندی‌های مختلف و ارزش‌های انسانی رشد می‌کنند. تسویق به نقش آفرینی بیشتر پدران در تربیت فرزندان و ایجاد فضای حمایتی برای مادران، به تقویت پیوندهای خانوادگی و ارتقای سطح کیفی زندگی منجر خواهد کرد. با این رویکرد، می‌توان امیدوار بود آینده‌سازان جامعه با تربیت سالم و متوازن در کنار باورهای محکم و مهارت‌های کافی، آماده مواجهه با چالش‌های بزرگ زندگی شوند.